

اصالت سود و لذت مادی در دانشگاه یا یسر موعود و تلاش‌های علمی و عملی برای رسیدن به آن!

توضیح:

۱. تمامی مطالب مندرج در این متن دارای شاهد مثال‌های عینی هستند؛ طبیعتاً الزامی برای ارائه‌ی آن‌ها وجود ندارد.

۲. منظور از علم در این مقاله غیر از علوم انسانی و الهی و دینی و حوزوی است.

نویسنده:

مصطفی حسن پناه

hassanpanah@alum.sharif.edu

بی خیال معیار ارتقا؛ استاد خود دانشمند است یا مدیر علمی؟

فارغ از اینکه فعالیت آموزشی بخواند معیار ارتقا قرار گیرد یا ارتباط با صنعت، فعالیت پژوهشی و تولید مقالات ISI معیار باشد یا مقالات داخلی و کتاب سؤال اینجا است که استاد دقیقاً چه کار باید بکند؟ نظارت بر چه چیزی؟ اجرای چه چیزی؟ دانشجو چه کار باید بکند؟ آیا استاد می‌تواند صرفاً مدیریت کند؟ به دانشجو بگوید «برو این کار را بکن یک مقاله در بیاور» یا حتی همین کار را هم نکند بگوید «من از پایان نامه، یک مقاله می‌خواهم و شرط تأیید این پایان نامه داشتن یک مقاله است» و بعد خود را در فعالیت علمی دانشجو سهیم بدانند؟ یا اینکه استاد با صرف همت و زمان کافی و احاطه بر موضوع مورد تحقیق و قرار داشتن در مرز دانش، دانشجو را در ابتدا با خود هم سطح کند و بعد او را به سمت تولید علم - با هر تعریف مورد توافقی - سوق دهد؟

سؤال‌های فوق را فارغ از این می‌توان پرسید که روند فعلی عمل چگونه است، اما اتفاقات بسیار زیادی می‌افتند که مایه‌ی آبرو ریزی هستند، از ارائه کردن پاور پوینت دانشجو به نام خود تا نوشتن کتاب از تحقیقات دانشجو ها بدون ذکر منبع یا اجازه.

یسر موعود؛ همه می‌خواهند دکترا بگیرند!

تصور نویسنده این است که این همه تقاضا برای عضویت در هیئت علمی دانشگاه به این صورت که همه می‌خواهند دکترا بگیرند و باز همه می‌خواهند عضو هیئت علمی شوند ناشی از یسر موعود پیش گفته است! به خاطر می‌آورم استاد دکتر مهدی بهادری نژاد همیشه به بچه‌ها می‌گفت در ایران آسان‌ترین کار تحصیل در دانشگاه است، بعد از تدریس در دانشگاه. پیش از این خدمت بی‌ارزش بود، اما اکنون خدمت بی‌زحمت بیشتر ارزش دارد. به نظر نویسنده تمامی آفات

آموزش عالی به هم مرتبط هستند. از تقلب‌های علمی پژوهشگران تا تقلب دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی (!) سر جلسه‌ی امتحان همگی یک ریشه دارند و آن اشتیاق بی‌انتهای رسیدن به یسر موعود است.

طبقه‌ی شریف و مدرک گرایی

یسر موعود موجب ایجاد طبقه و طایفه گرایی و ... خواهد شد؛ چنانکه تا کنون شده است. سهمیه‌ی مضحک اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها برای تحصیل فرزندانشان از همین دست است. این نوع عدالت ساسانی که به وضوح با مبانی نظام و انقلاب سازگاری ندارد، محصول یسر، پرستیژ و قدرت موعود است که به ناحق البته، به طبقه‌ای داده می‌شود.

ریشه‌ی مدرک گرایی هم همین جا است، از مدرک می‌توان به دانشگاه رسید و از دانشگاه به مدرک. این دور بی‌نهایت را نه سوپر انقلابی‌ها شکستند که خود در نهایت بزرگ‌ترین افتخارشان شد همین دانشگاه (بر خلاف مقام معظم رهبری که زی‌طلبگی را برای خود پاسداری می‌کند) و نه فراری‌های از جنگ تحمیلی هشت ساله که سر از انگلیس و فرانسه در آورده بودند تا ادامه‌ی تحصیل دهند و بعداً به انقلابی‌های واقعی دهان کجی کنند!

مشکل کجاست؟

مشکل از نظام آموزشی است؛ بله همه می‌دانیم، اما نباید هرگز فراموش کرد که نظام آموزشی به وضوح ریشه در مسائل مهم و اساسی‌تری دارد. برای مثال در جامعه‌ای که همه می‌خواهند سر هم را کلاه بگذارند، قورباغه را جای فولکس واگن بفروشند، دستاورد های دیگران را غصب کنند، در دانشگاه این جامعه غیر از تقلب و کپی و چاپلوسی و خودنمایی چه چیزی به وجود خواهد آمد؟

در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های خوب - که البته نایاب هم نیستند - خیلی پیش می‌آید که انتقاد یک دانشجو از استاد نزد استاد یا در کلاس طرح می‌شود و مشکلی هم نیست. بعداً همه چیز پایان خوبی می‌یابد، اما خیلی جا‌های دیگر محضر استاد است و چاپلوسی و غیاب استاد و غیبت!

منشأ تقلب‌های علمی دقیقاً کجاست؟ آیا در لحظه‌ی اولین تقلب در امتحان قبح همه‌ی انواع تقلب شکسته نمی‌شود؟ چرا بعضی از اساتید مرتکب تقلب‌های علمی می‌شوند؟ آیا یسر موعود نیست که ریشه‌ی این نابسامانی است؟ نقش افراد بیرون از دانشگاه چگونه است؟

تقدس زایی برای یک طبقه

اصلاً علاقه‌ای ندارم پای غرب را وسط بکشم. هزاری هم که ساختار را و پوسته‌ها را از غرب عاریه بگیریم کسی ما را مجبور نکرده است روح غربی را حاکم کنیم. این تقلب‌ها و مفت خوری‌ها و بی‌اخلاقی‌ها ریشه در دوری از تعالیم انبیاء دارد نه نزدیکی به فرهنگ خاصی - برای مثال تمدن غرب - که فطرت انسانی بیزار از آن است.

همان طور که تقدس زدایی از مقدسات اقدامی خائنانه است، تقدس زایی برای چیزهای غیر مقدس هم خوب نیست. معلمی مقام است، دانشجو مقدس است، دانشگاه جای مقدسی است مادامی که از اهداف اصلی خود منحرف نشده باشد.

تا کنون اشتباه پر بسامد هر که مدرک داشت عالم است، هر کسی عضو هیئت علمی بود معلم است و هر که دانشجو است واقعاً هدفی جز طلب دانش ندارد راه را بر خیلی از اصلاحات در محیط دانشگاه بسته است. امروز باید یک بار برای همیشه اصلاح در ابتدا از اندیشه آغاز شود تا دانشگاه واقعی دوباره متولد گردد.